# مقایسه استانداردهای زندگی مشترک در قومیتهای ایرانی

**شادی حاج‌حسینی،* فرشته موتابی،** محمدعلی مظاهری****

***مقدمه:*** *ساختار شناختی نقش تعیین‌کننده‌ای در تعاملات افراد و رضایت آنها از زندگی مشترک ایفا می‌کند. از مهم‌ترین وجوه ساختار شناختی در افراد استانداردهاست که تحت تأثیر فرهنگ، محیط زندگی و تجربیات زندگی فرد شکل می‌گیرند. هدف این پژوهش مقایسه استانداردهای زندگی مشترک در قومیتهای ایرانی است.*

***روش:*** *این پژوهش یک طرح پیمایشی بوده که با روش نمونه‌گیری در دسترس، در بین ۳۶۰ نفر (۳۰ مرد و۳۰ زن از هر قومیت) از شهروندان متأهل ۱۸ سال به بالا اجرا شده است. این نمونه متعلق به شش قومیت فارس، ترک، کرد، لر، بلوچ و عرب بوده و در شهرهای مربوط به قومیت خود متولد شده و زندگی می‌کردند. ابزار این پژوهش شامل پرسشنامه استانداردهای اختصاصی رابطه برای ارزیابی استانداردها بودند.*

***یافته‌ها:*** *میان زنان و مردان قومیتهای مختلف از نظر استانداردها تفاوت وجود دارد. در هر چهار حوزه استانداردها، مردان و زنان ترک نمرات بالاتری را نسبت به مردان و زنان سایر قومیتها کسب کردند. مردان قومیت بلوچ در استانداردهای حوزه کنترل و قدرت، سرمایه‌گذاری ابزاری و سرمایه‌گذاری ابرازی نمرات پایین‌تری کسب کردند. در برخی از استانداردها در میان زنان و مردان هر قومیت تفاوت معنادار وجود داشت. استانداردهای زنان قومیت عرب در حوزه‌های (مرزها، کنترل و قدرت، سرمایه‌گذاری ابرازی) بالاتر از مردان این قومیت بود. استانداردهای زنان قومیت بلوچ نیز در حوزه‌های (کنترل و قدرت، سرمایه‌گذاری ابزاری و ابرازی) بالاتر از مردان این قومیت بود. استانداردهای زنان قومیت فارس نیز در حوزه سرمایه‌گذاری ابزاری و ابرازی بالاتر از مردان این قومیت بود.*

***بحث:*** *یافته‌ها دلالت بر تفاوت در شناختهای قومیتهای ایرانی دارد. چرا که افراد متعلق به هر یک از این قومیتها در محیط متفاوت، با خرده فرهنگها، تجربیات و هنجارهای خاصی که استانداردهای آنها را در طی سالیان متمادی شکل داده‌اند، زندگی و رشد کرده‌اند.*

***واژگان کلیدی: استانداردهای رابطه، سرمایه‌گذاری ابرازی، سرمایه‌گذاری ابزاری، قومیتهای ایرانی، کنترل و قدرت، مرزها***

**تاریخ دریافت:۹۳/۳/۳۱ تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۰/۱۳**

* دانشجو دکتری روان‌شناسی بالینی، دانشگاه علم و فرهنگ، (نویسنده مسئول)، <shadi.arshadi@gmail.com>
** دکتر روان‌شناسی بالینی، دانشگاه شهید بهشتی

**مقدمه**

یکی از جنبه‌های بسیار مهم رابطه زناشویی، رضایتی است که همسران در ازدواج تجربه می‌کنند (تانی‌گوچی[1]، ۲۰۰۶). رضایت زناشویی[2] به احساس رضایت هر یک از زوجین از هماهنگی و مطابقت با همسر خود در زمینه چگونگی سازمان‌دهی زندگی مشترک شامل هماهنگی در نحوه گذراندن اوقات فراغت، تقسیم کارهای خانه، تعامل و ارتباط با یکدیگر، روابط جنسی و ابراز عواطف و احساسات به یکدیگر اطلاق می‌شود (یوگمن و برازرتن[3]، ۱۹۸۶؛ برونل[4] و همکاران، ۲۰۱۰). رضایتمندی از ازدواج یکی از اصلی‌ترین عوامل تعیین‌کننده کیفیت زندگی و سلامت روانی است (کلارک[5]، ۲۰۱۰) که به زوج اجازه می‌دهد تا از تعارضات اجتناب کنند و یا به شیوه‌ای مناسب آنها را حل کنند (چن و همکاران[6]، ۲۰۰۷).

«شناختها[7]» از جمله عواملی هستند که رضایت زناشویی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد (برادبری و فینچام[8]، ۲۰۰۰). هریک از زوجین ملاکها و انتظاراتی از همسر خود دارند که عدم تحقق این انتظارات و یا ملاکها، باعث پایین آمدن سطح رضایت زناشویی شده و یا روابط بین زوج را تیره و تار می‌کند (ویرکلر[9]، ۱۹۹۸). در علم روان‌شناسی این ملاکها، انتظارات، باورها و ارزشهای مختلف را شناخت می‌نامند. شناختها برروی احساسات، عواطف و رفتارهای فرد تأثیر می‌گذارد. از این‌رو سلامت روانی، رضایت و نارضایتی زناشویی تحت تأثیر باورها و تفکرات و ادراکات شخص از خود، دیگران و رویدادهای زندگی است.

1. Taniguchi
2. Marital satisfaction
3. Yogman and Brazerton
4. Brunell
5. Clark
6. Chen
7. Cognition
8. Bradbury and Fincham
9. Winkler

از جمله شناختهای مؤثر در رابطه زوجین «استانداردها[1]» هستند. استانداردها، شامل باورهای زوج در مورد اینکه روابط به‌صورت کلی و رابطه خودشان به‌صورت خاص چگونه باید باشد، می‌شود (باکوم و اپستین، ۱۹۹۰).

پژوهشهای انجام شده در کشورهای غربی نشان داده‌اند که موقعیتها و تجربیات محیطی گوناگون می‌توانند سبب ایجاد تفاوت در استانداردها شوند، طوریکه افراد با قومیتها و فرهنگهای مختلف، می‌توانند استانداردهای متفاوتی داشته باشند (ستندر و سی‌یونگ[2]، ۲۰۰۱؛ اپستین، باکوم و چن[3]، ۲۰۰۵).

از طرفی، یکی از ویژگیهای منحصر به فرد ایران، تنوع قومیتی و وجود آداب خرده فرهنگی متفاوت در میان قومیتهای مختلف است. این تنوع قومیتی، تجارب متفاوتی برای افراد هر قومیت در خانواده اصلی را سبب می‌شود (کی‌نیا، ۱۳۷۳). ما در این پژوهش به بررسی استانداردهای هر یک از اقوام فارس، ترک، کرد، لر، بلوچ و عرب خواهیم پرداخت تا آگاه شویم استانداردها در اقوام گوناگون ایرانی تاچه حد با هم همخوان یا ناهمخوان هستند. با آگاهی از آنچه که گفته شد، می‌توان به زوجهایی که در صدد ازدواج بین قومیتی هستند کمک کرد که بهتر یکدیگر را بشناسند یا با شناسایی این عوامل بتوان آگاهی و پذیرش را میان زوجهایی که درگیر مشکلات و ناسازگاری هستند، افزایش داد. افراد باید بدانند که اگر ازدواجهای بین قومیتی اتفاق می‌افتد در اینگونه ازدواجها چه مواردی لازم است رعایت شود. از طرفی باید در صورت لزوم مداخلات مؤثر در مورد مسائل و مشکلات بعد از ازدواج را برای زوجها فراهم کرد. این آموزشها و مداخلات را باید با ویژگیهای هر قومیت هماهنگ کرد چرا که نمی‌توان نسخه یکسانی را به‌منظور ایجاد

1. Standards
2. Stander and Hsiung
3. Chen

رضایت زناشویی در هر قومیت ایران که دارای خرده فرهنگ خاصی است تجویز کرد. برای برنامه‌ریزی در جهت بالا بردن رضایت زناشویی در هر جامعه و در عین حال همگام بودن با فرهنگ آن جامعه، می‌توان از این‌گونه پژوهشها به‌عنوان یک طرح مقدماتی در برنامه‌ریزیهای آینده استفاده کرد.

## چارچوب نظری

استانداردها از جمله شناختهای درگیر در تعارضات زوج هستند که در مدل نشانه‌شناسی باکوم و اپستین[1] (۱۹۹۰)، به آنها اشاره شده است. زوج از استانداردها برای ارزیابی درست و قابل قبول بودن رفتار دیگری استفاده می‌کنند. هر فرد استانداردهایی در مورد چگونگی ابراز احساسات، میزان رازداری، ارتباط با خانواده و... دارد (اپستین و باکوم، ۲۰۰۳). از نگاه فلتچر و سیمپسون[2] (۲۰۰۰) استانداردها به افراد کمک می‌کنند که کیفیت رابطه‌شان را ارزیابی کنند، به درکی از وضعیت رابطه‌شان دست پیدا کنند و به نوعی با آن هماهنگ شوند. استانداردها با فراهم کردن یک راهنمای اخلاقی برای زوج به آنها در اداره زندگی روزمره‌شان کمک می‌کنند (اپستین و همکاران، ۱۹۹۷).

استانداردهای افراد در مورد روابط زناشویی در چهار حیطه کلی مرزها[3]، کنترل[4] و سرمایه‌گذاری ابزاری[5] و سرمایه‌گذاری ابرازی[6] جای می‌گیرد. استانداردهای مربوط به مرزها مشخص‌کننده ایده‌آلهای زوج در زمینه میزان با هم بودن در مقابل استقلال اشاره دارد. این استانداردها بر میزان همکاری، صمیمیت و پیوستگی افراد در رابطه تمرکز دارد. مرزهای کم نشان‌دهنده تمایل بالا به نزدیکی و صمیمیت و مرزهای سخت نشان دهنده تمایل بالا به استقلال و خودمختاری است. مرزهای خشک بسیار محدودکننده هستند و

1. Baucom and Epstein
2. Fletcher and Simpson
3. Boundary
4. Control
5. Instrumental Investment
6. Expressive Investment

تماس کلی را با نظام‌های فرعی خارج میسر می‌سازند و منجر به فاصله گرفتن می‌شوند. افراد در این شرایط مستقل اما منزوی هستند. افرادی که نمرات بالایی در این حوزه کسب می‌کنند تمایل بیشتری به نزدیکی، صمیمیت و با هم بودن با همسرانشان دارند (باکوم و همکاران، ۱۹۹۶).

استانداردهای مربوط به قدرت و کنترل، مشخص‌کننده نقش هر فرد در فرایند تصمیم‌گیری و کنترل دیگری است (اپستین و باکوم، ۱۹۹۰). در زمینه تقسیم قدرت در خانواده دو رویکرد وجود دارد، رویکرد اول، دیدگاه سنتی است که در این دیدگاه مرد مرجع قدرت خانواده در نظر گرفته می‌شود. مرد بیشترین توانایی و تأثیر را در تصمیم‌گیری‌های خانواده دارد، او مسئول و حمایت‌گر خانواده است. در مقابل این دیدگاه، دیدگاه مدرن و یا تساوی‌نگر وجود دارد. این دیدگاه زن و مرد را در کنار هم قرار می‌دهد، و هر دوی آنها را در فرایند و نتیجه‌گیری مؤثر قلمداد می‌کند (ریس[1]، ۲۰۰۴). اینکه ساختار قدرت در میان زوج چگونه باشد، تحت تأثیر عوامل بسیاری است. ریس این مسأله را تحت تأثیر چهار عامل می‌داند؛ ابتدا اینکه زن و مرد هرکدام چه میزانی از منابع قدرت، ازجمله تحصیل، درآمد، موقعیت اجتماعی و... را در اختیار دارند. هرچه میزان دست‌یابی زنان به منابع قدرت بیشتر باشد گرایش آنها به نگاه تساوی‌نگر بیشتر است. از نگاه این محقق مسأله بعدی اعتقاد زوج به هر کدام از دو رویکرد به قدرت است. اگر نگاه زوج سنتی باشد، مرد مرجع قدرت است، اگر نگاه تساوی‌نگر داشته باشند آنها به تقسیم قدرت معتقد هستند. عامل بعدی میزان اهمیت رابطه برای فرد است. ریس معتقد است قدرت فردی که اهمیت کمتری به رابطه می‌دهد در تصمیم‌گیریها بیشتر است. عامل چهارم نیز درگیری هر فرد با موضوع مورد نظر است. در بسیاری از تصمیم‌گیریها با توجه به

1. Reiss

درگیری هر فرد با موضوع، نقش تصمیم‌گیرنده تغییر می‌کند. در حقیقت کسی که در فرایند تصمیم‌گیری فعال‌تر است قدرت بیشتری دارد. نمرات بالا در این حوزه نشان‌دهنده نگاه تساوی‌نگر افراد در فرایند تصمیم‌گیریها و یا اعمال قدرت در رابطه می‌باشد.

در تعاملات زوج دو نوع رفتار ارتباطی و غیرارتباطی وجود دارد. رفتارهای ارتباطی یا ابرازی مانند ابراز هیجانها، گوش دادن، همدلی کردن، راه حل پیدا کردن و حمایت از دیگری است. در مقابل این رفتارها، رفتارهای ابزاری قرار می‌گیرند که این رفتارها به مسئولیتها و انجام آنها اشاره دارد. این دو نوع رفتار هرکدام می‌تواند حامل پیام‌های مثبت و منفی باشند (باکوم و اپستین، ۱۹۹۰).

در مجموع استانداردهایی در زمینه مرزهای کم، تصمیم‌گیری با توازن قدرت بالا و پذیرش دیدگاه دیگران در فرایند تصمیم‌گیری در کنار میزان بالایی از رفتارهای ابرازی و ابزاری در ازدواج مضامین استانداردهای معطوف به رابطه هستند.

**پیشینه پژوهش**

در ایران پژوهشهای گوناگونی بر روی استانداردها انجام شده است. به‌عنوان مثال می‌توان به پژوهشی که توسط برازنده (۱۳۸۵) انجام شد، اشاره کرد. این پژوهش به بررسی رابطه استانداردهای مربوط به زندگی مشترک و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه با سازگاری زناشویی پرداخت. این مطالعه در بین دبیران دبیرستانهای شهر مشهد و همسران آنان انجام شد. نتایج این پژوهش نشان داد که استانداردهای مربوط به رابطه و رضایت از تحقق آنان با سازگاری زناشویی افراد رابطه دارند و تفاوت استانداردهای زن و شوهر با رضایت زناشویی آنها رابطه منفی دارند.

فتاحی (۱۳۸۸) نیز در پژوهشی تحت عنوان اسنادهای ناسازگار و معیارهای ارتباطی به‌عنوان پیش‌بینی‌کننده سازگاری زناشویی، به این نتیجه رسید که اسنادها و استانداردها به‌طور معناداری با سازگاری زناشویی رابطه دارد. در واقع در این مطالعه مشخص شد که

هرچه استانداردهای افراد بیشتر باشد و همچنین این معیارها در ارتباط بین زوجها بیشتر ارضا شوند، سازگاری زناشویی بیشتری پیش‌بینی خواهد شد.

ملک‌عسگر نیز در سال ۱۳۹۰ در پژوهشی تحت عنوان مقایسه استانداردهای مربوط به زندگی مشترک در افراد ساکن تهران در طول سه نسل اخیر، به این نتیجه رسید که در زمینه استانداردهای مربوط به زندگی مشترک در طول سه نسل اخیر زنان جامعه تفاوت وجود دارد. در واقع زنان نسل دوم و سوم ایده‌آل‌های بالاتری در زمینه قدرت، مرزها، سرمایه‌گذاری ابرازی و ابزاری دارند. اما تفاوتی بین استانداردهای مردان در طول سه نسل اخیر دیده نمی‌شود. با وجود پژوهشهای متعدد در مورد بررسی استانداردهای ارتباطی، پژوهشهای بین فرهنگی که به‌طور خاص قومیتهای ایران را با هم مقایسه کند، انجام نشده است.

در دیگر کشورها نیز در زمینه مقایسه بین‌فرهنگی استانداردها، پژوهشها بسیار محدود بوده است. در پژوهشی که توسط اپستین، چن و کمجو (۲۰۰۵)، تحت عنوان استانداردهای رابطه‌ای و رضایت زناشویی در زوجهای چینی و آمریکایی، انجام شد یافته‌ها حاکی از آن بود که استانداردهای زناشویی نقش بسیار مهمی در رضایت زناشویی ایفا می‌کند. در این مطالعه مشخص شد که استانداردهای زوجهای چینی و آمریکایی تفاوت زیادی با هم دارند. زوجهای آمریکایی نمرات بالایی در استانداردهای مربوط به مرزها به‌دست آورند که نشان دهنده نزدیکی، صمیمیت و همکاری بیشتر همسران آمریکایی با هم است. از طرفی زوجهای آمریکایی نسبت به زوجهای چینی در رابطه خود نیازمند مرزهای محکم‌تری با دنیای بیرون هستند (اطلاعات مربوط به رابطه زناشویی خود را کمتر با دیگران در میان می‌گذاشتند و نصیحت دیگران را کم‌تر می‌پذیرفتند و به آن نصیحتها اهمیتی نمی‌دادند). زوجهای چینی استانداردهای ارتباطی بالاتری در حوزه سرمایه‌گذاری ابزاری و ابرازی نشان دادند.

## روش

**طرح و روش تحقیق:** پژوهش حاضر، یک مطالعه پیمایشی (علّی- مقایسه‌ای) است.

**جامعه و نمونه آماری و شیوه نمونه‌گیری:** جامعه آماری این پژوهش کلیه افراد ۱۸ سال به بالا و متأهل هستند که متعلق به شش قومیت فارس، ترک، کرد، لر، بلوچ، عرب بوده و در شهرهای مربوط به قومیت خود متولّد شده و زندگی می‌کنند. حجم نمونه این پژوهش از ۳۶۰ نفر تشکیل شده است. این افراد شامل ۳۰ مرد و۳۰ زن از هر یک از ۶ قومیت فارس، ترک، کرد، لر، بلوچ و عرب می‌باشند. ملاکهای ورود گروه نمونه سن ۱۸ سال و بالاتر، تأهل و گذشتن حداقل یک سال از ازدواج بود. همچنین این افراد باید علاوه بر تعلق به قومیت خاص در شهری که نمایانگر قومیت خودشان است متولد شده و در همان شهر ساکن باشند. ملاکهای خروج شامل جدا شدن از همسر، فقدان سواد خواندن و نوشتن، متولد نشدن یا زندگی نکردن در شهر متعلق به قومیت مربوطه می‌باشد.

افراد نمونه از شهرهای ارومیه و تبریز، برای قوم ترک، شهرهای سقز و ایلام (شهرستان کردنشین دره شهر) برای قوم کرد و شهر تهران برای قوم فارس و شهرهای ملایر، الیگودرز برای قوم لر و شهر اهواز و بندر لنگه برای قوم عرب و همچنین شهر زاهدان و بندر جاسک برای قوم بلوچ انتخاب شدند. ذکر این نکته ضروری است که یافته‌های این پژوهش را می‌توان به افراد متعلق به شهرهای ذکر شده تعمیم داد و تعمیم آن به کل افراد یک قومیت که در شهرهای دیگر زندگی می‌کنند باید با احتیاط فراوان انجام شود. به‌منظور جمع‌آوری نمونه در این پژوهش به استثنای دو قومیت فارس و کرد که اطلاعات آنها توسط محقق جمع‌آوری شد در مورد چهار قومیت ترک، لر، بلوچ و عرب از دانشجویان کارشناسی‌ارشد رشته روان‌شناسی که متعلق به هر یک از آن قومیتها بودند که علاوه بر آشنایی قبلی با آزمون مورد نظر، آموزشهای لازم و کاملی را در مورد نحوه نمونه‌گیری توسط محقق دیده بودند، استفاده شد. این افراد توسط محقق در زمینه‌های گوناگونی از

جمله مکانهای مورد نظر برای جمع‌آوری نمونه، بررسی شرایط افراد از نظر ملاکهای ورود و خروج، ویژگی هر پرسشنامه و اهداف مربوط به آن، نحوه پخش کردن پرسشنامه‌ها، ذکر هدف پژوهش و توضیحات مناسب به‌منظور پر کردن پرسشنامه‌ها، نحوه جمع‌آوری پرسشنامه‌ها، نحوه پاسخگویی به سؤالات افراد نمونه در صورت لزوم آموزش دیده بودند. با مراجعه به مکانهای عمومی مانند دانشگاهها، فرهنگ‌سراها، مراکز خرید و... از افرادی که واجد ملاکهای ورود پژوهش بودند دعوت به همکاری کرده تا پرسشنامه‌ها را تکمیل نمایند. در پایان هر روز از نمونه‌گیری گزارش کار کاملی از نحوه نمونه‌گیری و اجرای آزمون در اختیار محقق قرار می‌گرفت که در صورت لزوم، اصلاحات و پیشنهادات لازم توسط محقق به‌صورت روزانه به افرادی که نمونه‌گیری را انجام می‌دادند ارائه می‌شد.

**ابزار پژوهش:** در این پژوهش برای سنجش استانداردهای مربوط به زندگی مشترک افراد قومیتهای گوناگون ایران از پرشسنامه استانداردهای اختصاصی رابطه (ISRS)[1] استفاده شده است که توسط اپستین، برنت و رنکین[2] در سال ۱۹۹۰ طراحی شده است. در واقع این پرسشنامه ۴۸ سؤالی برای چهار حوزه استانداردها شامل استاندارد مرز، استانداردهای کنترل، استانداردهای سرمایه‌گذاری ابزاری و استانداردهای سرمایه‌گذاری ابرازی نمره‌های جداگانه ارائه می‌دهد. برای به‌دست آمدن میزان استانداردهای معطوف به رابطه باید نمرات زیر مقیاسها جمع و بر تعداد تقسیم شود. برای به‌دست آوردن نمره کلی فرد در این پرسشنامه راحت‌ترین کار گرفتن نمرات فرد در چهار زیر مقیاس است. نمره کل بین ۰ تا ۱۵۱ است و هر اندازه بالاتر باشد استانداردهای رابطه مدار بیشتر است. بنابراین از نظر روان‌شناختی و روانسنجی، به‌دست آوردن نمره کلی «معیارهای رابطه‌مدار» حائز اهمیت است.

1. Inventory of Specific Relationship Standards
2. Rankin

**روایی و پایایی ابزار:** سازگاری درونی[1] چهار زیرمقیاس این پرسشنامه، در حد ضریب آلفا ۰/۶۵ تا ۰/۷۷ می‌باشد که نشان‌دهنده حد متوسطی از سازگاری درونی است. تمام ۴۸ سؤال در هر دو جنس با مقیاس مربوط به خود همبستگی بالایی دارند (باکوم و همکاران، ۱۹۹۶). این پرسشنامه توسط برازنده (۱۳۸۵) ارزیابی شد. بر اساس این ارزیابی سازگاری درونی نسخه ترجمه شده این پرسشنامه در حد ضریب آلفا ۰/۹۱-۰/۸۳ برای چهار زیرمقیاس و ضریب آلفای ۰/۹۶ برای کل پرسشنامه می‌باشد. نتایج نشان داد، استانداردهای مربوط به چهار زیرمقیاس در مجموع ۰/۵۴ از واریانسهای پرسشنامه (بار عاملی) را تبیین می‌کنند. دو عامل رضایت از برآورده شدن استانداردها و واکنش هیجانی، ۰/۳۵ از واریانسهای پرسشنامه (بار عاملی) را تبیین می‌کنند. در بررسی که توسط فتاحی (۱۳۸۸) انجام شد، حداکثر پایایی خرده آزمونهای این پرسشنامه مربوط به زیر گروه کنترل بوده که بر اساس اندازه‌گیری آزمون باز آزمون ۰/۸۸ تخمین زده شد و حداقل پایایی مربوط به خرده آزمون مرزها با ضریب ۰/۷۴ بوده است. میزان همبستگی درونی در دو جنس بین ۰/۷۴ تا ۰/۸۴ بوده است.

## یافته‌ها

یافته‌های توصیفی مربوط به ویژگیهای جمعیت شناختی گروه نمونه شامل سه متغیر طول مدت ازدواج، سن و سالهای تحصیل در جداول (۱) و (۲) آمده است.

1. Internal Consistency

**جدول (۱) ویژگیهای توصیفی مربوط به طول مدت ازدواج در زنان و مردان قومیتهای ایرانی**

| | قومیت | جنسیت | Min | Max | M | SD |
|---|---|---|---|---|---|---|
| طول مدت ازدواج | فارس | زنان | ۱ | ۳۸ | ۱۴/۵۳ | ۱۱/۲۵ |
| | | مردان | ۱ | ۳۲ | ۱۰/۰۷ | ۹/۱۷ |
| | ترک | زنان | ۲ | ۵۱ | ۱۱/۶۷ | ۱۲/۰۴ |
| | | مردان | ۲ | ۵۱ | ۹/۴ | ۱۰/۶۱ |
| | کرد | زنان | ۱ | ۳۰ | ۱۳/۲۳ | ۷/۶۷ |
| | | مردان | ۳ | ۴۵ | ۱۳/۸ | ۸/۷۴ |
| | لر | زنان | ۱ | ۳۰ | ۸ | ۷/۸۵ |
| | | مردان | ۱ | ۳۴ | ۵/۱۳ | ۶/۴۲ |
| | بلوچ | زنان | ۱ | ۲۵ | ۹/۴ | ۶/۶۷ |
| | | مردان | ۱ | ۲۸ | ۹/۷۷ | ۷/۲۳ |
| | عرب | زنان | ۱ | ۲۷ | ۸/۰۳ | ۷/۴ |
| | | مردان | ۱ | ۲۶ | ۹/۱۳ | ۶/۴۷ |

**جدول (۲) میانگین و انحراف معیار مربوط به سن و سالهای تحصیل در افراد متأهل قومیتهای ایرانی**

| | قومیت | جنسیت | M | SD | متغیرها | قومیت | جنسیت | M | SD |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| سن | فارس | زنان | ۳۸/۸۷ | ۱۰/۹۹ | سالهای تحصیلات | فارس | زنان | ۱۴/۶ | ۳/۰۲ |
| | | مردان | ۳۷/۹ | ۱۰/۵۹ | | | مردان | ۱۶ | ۲/۵۷ |
| | ترک | زنان | ۳۵/۲۷ | ۱۰/۸۹ | | ترک | زنان | ۱۲/۴۳ | ۳/۲۲ |
| | | مردان | ۳۷/۴ | ۱۰/۳۸ | | | مردان | ۱۶/۱۷ | ۳/۱۳ |
| | کرد | زنان | ۳۶/۵ | ۷/۴ | | کرد | زنان | ۱۲/۴ | ۳/۲۲ |
| | | مردان | ۴۱/۳ | ۸/۹۵ | | | مردان | ۱۲/۷ | ۳/۷۳ |
| | لر | زنان | ۳۲/۶ | ۶/۴۴ | | لر | زنان | ۱۴/۲ | ۱/۹۹ |
| | | مردان | ۳۲/۶ | ۶/۸۹ | | | مردان | ۱۴/۴ | ۲/۹ |
| | بلوچ | زنان | ۳۳/۹ | ۵/۷۴ | | بلوچ | زنان | ۱۴ | ۱/۸۲ |
| | | مردان | ۳۳/۶ | ۶/۴۶ | | | مردان | ۱۵/۸ | ۲/۵۴ |
| | عرب | زنان | ۲۸/۸ | ۶/۴۵ | | عرب | زنان | ۱۳/۴ | ۱/۸۳ |
| | | مردان | ۳۳/۶ | ۶/۶۳ | | | مردان | ۱۳/۵ | ۲/۰۸ |

جهت آزمون سؤالات و تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش، از روش تحلیل واریانس چند متغیره و (MANOVA) و برای دو خرده مقیاس کنترل و قدرت و سرمایه‌گذاری ابزاری از تحلیل کواریانس چند متغیره (MANCOVA) برای کنترل اثر تحصیلات استفاده شد. برای هر کدام از سؤالات پژوهش حاضر، ابتدا همگنی ماتریس واریانس-کوواریانس به‌عنوان پیش‌شرط انجام آزمون با استفاده از آزمون ام. باکس مورد بررسی قرار گرفت. سپس با رجوع به میزان F و سطح معناداری، پیش‌فرض همگنی ماتریس واریانس-کوواریانس مورد بررسی قرار گرفت. مقادیر مذکور در جدول (۳) نشان داده شده است. نتایج نشان داد که شرط برابری ماتریس واریانس-کوواریانس در مورد استانداردها در تمام قومیتهای ایرانی برقرار است.

**جدول (۳) بررسی پیش‌فرض‌های تحلیل واریانس-کواریانس چندمتغیره برای بررسی استانداردها در قومیتهای ایرانی**

| متغیرها | قومیت | ام. باکس | F | df1 | df2 | *p* |
|---|---|---|---|---|---|---|
| استانداردها | فارس | ۶/۶ | ۰/۶۱ | ۱۰ | ۱۶۰۸۲/۸۷ | ۰/۸۱ |
| | ترک | ۶/۱۱ | ۰/۵۷ | ۱۰ | ۱۶۰۸۲/۸۷ | ۰/۸۴ |
| | کرد | ۱۲/۴۷ | ۱/۱۵ | ۱۰ | ۱۶۰۸۲/۸۷ | ۰/۳۲ |
| | لر | ۴/۶۶ | ۰/۴۳ | ۱۰ | ۱۶۰۸۲/۸۷ | ۰/۹۳ |
| | بلوچ | ۱۷/۴۸ | ۱/۶۲ | ۱۰ | ۱۶۰۸۲/۸۷ | ۰/۱ |
| | عرب | ۱۳/۲۵ | ۱/۲۳ | ۱۰ | ۱۶۰۸۲/۸۷ | ۰/۲۷ |

از آنجایی که ادبیات پژوهش به تأثیر میزان تحصیلات در نمرات استانداردهای مربوط به کنترل / قدرت و سرمایه‌گذاری ابزاری اشاره داشته است، برای بررسی تأثیر تحصیلات در زنان و مردان قومیتهای ایرانی، ضرایب همبستگی بین سالهای تحصیلات با خرده‌مقیاسهای کنترل/ قدرت، و سرمایه‌گذاری ابزاری به تفکیک جنسیت بررسی و در جدول (۴) آمده است.

همانطور که در جدول (۴) ملاحظه می‌شود ضریب همبستگی پیرسون بین سالهای تحصیلات با استانداردهای مربوط به کنترل/ قدرت و سرمایه‌گذاری ابزاری تنها در مردان معنادار است. بنابراین در بررسی استانداردهای حوزه سرمایه‌گذاری ابزاری و ابرازی مردان به جای تحلیل واریانس باید تحلیل کوواریانس مورد استفاده قرار گیرد تا اثر تحصیلات روی این متغیرها کنترل شود.

**جدول (۴): ضرایب همبستگی بین سالهای تحصیلات با کنترل/قدرت و سرمایه‌گذاری ابزاری زنان و مردان قومیتهای ایرانی**

| جنسیت | قومیت | خرده مقیاسهای متغیرها | همبستگی r | همبستگی p | جنسیت | قومیت | خرده مقیاسهای متغیرها | همبستگی r | همبستگی p |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| زنان | فارس | کنترل و قدرت | ۰/۰۹ | ۰/۶۵ | مردان | فارس | کنترل و قدرت | -۰/۰۸ | ۰/۶۷ |
| | | سرمایه‌گذاری ابزاری | -۰/۲۷ | ۰/۱۵ | | | سرمایه‌گذاری ابزاری | ۰/۱۱ | ۰/۵۶ |
| | ترک | کنترل و قدرت | ۰/۲۶ | ۰/۱۷ | | ترک | کنترل و قدرت | ۰/۰۱ | ۰/۹۵ |
| | | سرمایه‌گذاری ابزاری | ۰/۱۴ | ۰/۴۷ | | | سرمایه‌گذاری ابزاری | ۰/۰۱ | ۰/۹۶ |
| | کرد | کنترل و قدرت | -۰/۰۶ | ۰/۷۵ | | کرد | کنترل و قدرت | -۰/۴۶ | ۰/۰۱ |
| | | سرمایه‌گذاری ابزاری | -۰/۰۲ | ۰/۸۹ | | | سرمایه‌گذاری ابزاری | -۰/۵۱ | /۰۰۴ ۰ |
| | لر | کنترل و قدرت | -۰/۱۲ | ۰/۵۲ | | لر | کنترل و قدرت | -۰/۰۹ | ۰/۹۳ |
| | | سرمایه‌گذاری ابزاری | -۰/۰۱ | ۰/۹۶ | | | سرمایه‌گذاری ابزاری | -۰/۰۰۲ | ۰/۹۹ |
| | بلوچ | کنترل و قدرت | -۰/۰۸ | ۰/۶۸ | | بلوچ | کنترل و قدرت | -۰/۴۷ | ۰/۰۱ |
| | | سرمایه‌گذاری ابزاری | -۰/۰۹ | ۰/۶۶ | | | سرمایه‌گذاری ابزاری | -۰/۴۵ | ۰/۰۱ |
| | عرب | کنترل و قدرت | -۰/۰۱ | ۰/۹۴ | | عرب | کنترل و قدرت | ۰/۰۸ | ۰/۶۶ |
| | | سرمایه‌گذاری ابزاری | ۰/۰۳ | ۰/۸۷ | | | سرمایه‌گذاری ابزاری | ۰/۰۶ | ۰/۷۴ |

در جدول (۵) میانگین، انحراف معیار متغیرهای استانداردها (مرز، کنترل، سرمایه‌گذاری ابزاری و ابرازی) و نتیجه تحلیل واریانس در ۶ قومیت (فارس، ترک، کرد، لر، بلوچ و عرب) آورده شده است.

**جدول (۵) میانگین، انحراف معیار و نتایج تحلیل واریانس و کواریانس در ۶ قومیتهای ایران (مقایسه قومیتی)**

| متغیر | قومیت | M | SD | F | $p$ | آزمون تعقیبی توکی |
|---|---|---|---|---|---|---|
| استاندارد مرزها در مردان | فارس | ۱۹/۷۳ | ۲/۳۸ | ۶/۶۲ | $p<$۰/۰۰۰۱ | تفاوت مردان ترک با فارس $p<$۰/۰۰۰۱<br>مردان ترک با مردان کرد $p<$۰/۰۰۳<br>مردان ترک با مردان لر $p<$۰/۰۰۰۱<br>مردان ترک با مردان بلوچ $p<$۰/۰۰۰۱<br>مردان ترک با مردان عرب $p<$۰/۰۰۰۱ |
| | ترک | ۲۲/۷۵ | ۲/۹۳ | | | |
| | کرد | ۲۰/۸۵ | ۲/۹۷ | | | |
| | لر | ۲۰/۲۵ | ۲/۵۸ | | | |
| | بلوچ | ۱۹/۷۶ | ۱/۹۶ | | | |
| | عرب | ۱۹/۸۳ | ۱/۹۳ | | | |
| استاندارد کنترل/قدرت در مردان | فارس | ۲۱/۱۲ | ۲/۴ | ۸/۰۸ | $p<$۰/۰۰۰۱ | تفاوت مردان ترک با فارس $p<$۰/۰۰۱<br>مردان ترک با مردان کرد $p<$۰/۰۰۳<br>مردان ترک با مردان لر $p<$۰/۰۰۱<br>مردان ترک با مردان بلوچ $p<$۰/۰۰۰۱<br>مردان ترک با مردان عرب $p<$۰/۰۰۰۱<br>مردان بلوچ با مردان فارس $p<$۰/۰۰۸<br>مردان بلوچ با مردان کرد $p<$۰/۰۰۵<br>مردان بلوچ با مردان لر $p<$۰/۰۱ |
| | ترک | ۲۳/۰۹ | ۲/۲۶ | | | |
| | کرد | ۲۱/۷۹ | ۲/۶۲ | | | |
| | لر | ۲۱/۲۸ | ۲/۳۸ | | | |
| | بلوچ | ۱۹/۵۸ | ۲/۲۰ | | | |
| | عرب | ۲۰/۹۴ | ۱/۷۴ | | | |
| استاندارد سرمایه‌گذاری ابزاری در مردان | فارس | ۲۰/۳۳ | ۲/۰۷ | ۸/۴۲ | $p<$۰/۰۰۰۱ | تفاوت مردان ترک با فارس $p<$۰/۰۰۰۱<br>مردان ترک با مردان کرد $p<$۰/۰۰۱<br>مردان ترک با مردان لر $p<$۰/۰۰۰۱<br>مردان ترک با مردان بلوچ $p<$۰/۰۰۰۱<br>مردان ترک با مردان عرب $p<$۰/۰۰۰۱<br>مردان بلوچ با مردان عرب $p<$۰/۰۳۶<br>مردان بلوچ با مردان کرد $p<$۰/۰۱۹<br>مردان بلوچ با مردان لر $p<$۰/۰۳ |
| | ترک | ۲۳/۱۳ | ۲/۶۹ | | | |
| | کرد | ۲۱/۵ | ۲/۵ | | | |
| | لر | ۲۱/۰۹ | ۲/۳۸ | | | |
| | بلوچ | ۱۹/۶۶ | ۲/۱۹ | | | |
| | عرب | ۲۱/۲ | ۱/۴۹ | | | |
| استاندارد سرمایه‌گذاری ابزاری در مردان | فارس | ۲۱/۱۷ | ۲/۰۸ | ۹/۳۸ | $p<$۰/۰۰۰۱ | تفاوت مردان ترک با فارس $p<$۰/۰۰۰۱<br>مردان ترک با مردان کرد $p<$۰/۰۲۴<br>مردان ترک با مردان لر $p<$۰/۰۰۰۱<br>مردان ترک با مردان بلوچ $p<$۰/۰۰۰۱<br>مردان ترک با مردان عرب $p<$۰/۰۰۰۱<br>مردان بلوچ با مردان فارس $p<$۰/۰۴<br>مردان بلوچ با مردان کرد $p<$۰/۰۰۰۱<br>مردان بلوچ با مردان لر $p<$۰/۰۰۷<br>مردان فارس با مردان کرد $p<$۰/۰۴<br>مردان عرب با مردان کرد $p<$۰/۰۳ |
| | ترک | ۲۳/۷ | ۲/۵۵ | | | |
| | کرد | ۲۳/۳۷ | ۲/۲۶ | | | |
| | لر | ۲۱/۵۶ | ۲/۵۵ | | | |
| | بلوچ | ۱۹/۹۷ | ۲/۵ | | | |
| | عرب | ۲۱/۱ | ۱/۵۲ | | | |

| | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|
| استاندارد مرزها در زنان | فارس | ۲۰/۱۳ | ۱/۹۵ | ۶/۷۴ | $p<$۰/۰۰۰۱ | تفاوت میان زنان ترک با زنان فارس $p<$۰/۰۰۰۱<br>زنان کرد با زنان فارس $p<$۰/۰۳۴<br>زنان ترک با زنان کرد $p<$۰/۰۰۱<br>زنان ترک با زنان لر $p<$۰/۰۰۰۱<br>زنان ترک با زنان بلوچ $p<$۰/۰۰۰۱<br>زنان ترک با زنان عرب $p<$۰/۰۰۰۱ |
| | ترک | ۲۳/۱۳ | ۲/۸۳ | | | |
| | کرد | ۲۱/۳۲ | ۱/۷۳ | | | |
| | لر | ۲۰/۹۲ | ۲/۱۷ | | | |
| | بلوچ | ۲۰/۷۳ | ۲/۱۱ | | | |
| | عرب | ۲۰/۹۸ | ۲/۰۱ | | | |
| استاندارد کنترل/قدرت در زنان | فارس | ۲۱/۶۸ | ۱/۷۹ | ۶/۶۹ | $p<$۰/۰۰۰۱ | تفاوت میان زنان ترک با زنان فارس $p<$۰/۰۰۰۱<br>زنان ترک با زنان کرد $p<$۰/۰۰۱<br>زنان ترک با زنان لر $p<$۰/۰۰۰۱<br>زنان ترک با زنان بلوچ $p<$۰/۰۰۰۱<br>زنان ترک با زنان عرب $p<$۰/۰۰۵<br>زنان بلوچ با زنان عرب $p<$۰/۰۳۸ |
| | ترک | ۲۳/۵۳ | ۲/۱۹ | | | |
| | کرد | ۲۱/۵ | ۱/۸۷ | | | |
| | لر | ۲۱/۱۴ | ۲/۰۶ | | | |
| | بلوچ | ۲۰/۹۵ | ۱/۶۹ | | | |
| | عرب | ۲۱/۷ | ۱/۶۴ | | | |
| استاندارد سرمایه‌گذاری ابزاری در زنان | فارس | ۲۱/۴ | ۱/۷۷ | ۵/۱۹ | $p<$۰/۰۰۰۱ | تفاوت میان زنان ترک با زنان فارس $p<$۰/۰۰۰۱<br>زنان ترک با زنان کرد $p<$۰/۰۰۱<br>زنان ترک با زنان لر $p<$۰/۰۰۰۱<br>زنان ترک با زنان بلوچ $p<$۰/۰۰۰۱<br>زنان ترک با زنان عرب $p<$۰/۰۰۲ |
| | ترک | ۲۳/۵۳ | ۲/۷۹ | | | |
| | کرد | ۲۱/۵ | ۱/۹۵ | | | |
| | لر | ۲۱/۱۴ | ۲/۴ | | | |
| | بلوچ | ۲۰/۹۵ | ۲/۲۳ | | | |
| | عرب | ۲۱/۷ | ۲/۱۸ | | | |
| استاندارد سرمایه‌گذاری ابزاری در زنان | فارس | ۲۲/۳۲ | ۱/۸۸ | ۴/۲۹ | $p<$۰/۰۰۱ | تفاوت میان زنان ترک با زنان فارس $p<$۰/۰۰۶<br>زنان ترک با زنان کرد $p<$۰/۰۲۵<br>زنان ترک با زنان لر $p<$۰/۰۰۰۱<br>زنان ترک با زنان بلوچ $p<$۰/۰۰۰۱<br>زنان ترک با زنان عرب $p<$۰/۰۲۵ |
| | ترک | ۲۳/۷۶ | ۲/۳۹ | | | |
| | کرد | ۲۲/۶ | ۱/۷۴ | | | |
| | لر | ۲۱/۶۴ | ۲/۳۱ | | | |
| | بلوچ | ۲۱/۸۲ | ۱/۸۶ | | | |
| | عرب | ۲۲/۶ | ۱/۶۴ | | | |

نتایج داده‌ها در جدول (۵) نشان می‌دهد مردان قومیت ترک در هر چهار زیر مقیاس استانداردها نمرات بالاتری نسبت به سایر قومیتهای ایرانی به‌دست آوردند. مردان بلوچ در حوزه کنترل/قدرت علاوه بر مردان ترک نسبت به مردان فارس، کرد و لر نیز نمرات پایین‌تری را به‌دست آوردند. مردان بلوچ در حوزه سرمایه‌گذاری ابزاری نیز نسبت به مردان ترک، عرب، کرد و لر نمرات پایین‌تری را کسب کردند. در حوزه سرمایه‌گذاری ابرازی نیز مردان بلوچ در مقایسه با مردان ترک، فارس، کرد و لر نمرات پایین‌تری به‌دست

آوردند. در این حوزه مردان کرد در مقایسه با مردان فارس و عرب نمرات بالاتری کسب کردند.

زنان قومیت ترک نیز مانند مردان این قومیت در هر چهار مقیاس نمرات بالاتری را نسبت به زنان سایر قومیتها به‌دست آوردند. در حوزه کنترل و قدرت زنان بلوچ علاوه بر اینکه از زنان ترک نمرات پایین‌تری را کسب کردند نسبت به زنان عرب استانداردهای پایین‌تری را به‌دست آوردند.

در جدول (۶) میانگین و انحراف معیار متغیرهای استانداردها (مرز، کنترل، سرمایه-گذاری ابزاری و ابرازی) در زنان و مردان هر قومیت و همچنین نتایج تحلیل واریانس حاصل از مقایسه جنسیتی در هر قومیت نشان داده شده است.

همانطور که در جدول (۶) نشان داده شده در برخی از استانداردها در میان زنان و مردان هر قومیت تفاوت معنادار وجود دارد. استانداردهای زنان قومیت عرب در حوزه‌های (مرزها، کنترل و قدرت، سرمایه‌گذاری ابرازی) به‌طور معناداری بالاتر از مردان این قومیت بود. استانداردهای زنان قومیت بلوچ نیز در حوزه‌های‌های (کنترل و قدرت، سرمایه‌گذاری ابزاری و ابرازی) به‌طور معنادار بالاتر از مردان این قومیت بود. استانداردهای زنان قومیت فارس نیز به‌طور معناداری در حوزه سرمایه‌گذاری ابزاری و ابرازی بالاتر از مردان این قومیت بود.

**جدول (۶) میانگین، انحراف معیار و نتایج تحلیل واریانس در زنان و مردان هر قومیت (مقایسه جنسیتی)**

| متغیر | قومیت | جنسیت | M | SD | F | *p* |
|---|---|---|---|---|---|---|
| استاندارد مرزها در مردان و زنان هر قومیت | فارس | زن | ۲۰/۱۳ | ۱/۹۵ | ۰/۴۸ | ۰/۱۲ |
| | | مرد | ۱۹/۷۳ | ۲/۳۸ | | |
| | ترک | زن | ۲۳/۱۳ | ۲/۸۳ | ۰/۲۵ | ۰/۶۲ |
| | | مرد | ۲۲/۷۵ | ۲/۹۳ | | |
| | کرد | زن | ۲۱/۳۳ | ۱/۷۳ | ۰/۵۷ | ۰/۴۵ |
| | | مرد | ۲۰/۸۵ | ۲/۹۷ | | |
| | لر | زن | ۲۰/۹۲ | ۲/۱۷ | ۱/۱۷ | ۰/۲۸ |
| | | مرد | ۲۰/۲۵ | ۲/۵۸ | | |
| | بلوچ | زن | ۲۰/۷۳ | ۲/۱۱ | ۳/۳۸ | ۰/۰۷ |
| | | مرد | ۱۹/۷۶ | ۱/۹۶ | | |
| | عرب | زن | ۲۰/۹۸ | ۲/۰۱ | ۵/۱۲ | ۰/۰۳ |
| | | مرد | ۱۹/۸۳ | ۱/۹۳ | | |
| استاندارد کنترل در مردان و زنان هر قومیت | فارس | زن | ۲۱/۶۸ | ۱/۷۹ | ۱/۱۲ | ۰/۲۹ |
| | | مرد | ۲۱/۱ | ۲/۴ | | |
| | ترک | زن | ۲۳/۷۴ | ۲/۱۹ | ۱/۲۸ | ۰/۲۶ |
| | | مرد | ۲۳/۰۹ | ۲/۲۶ | | |
| | کرد | زن | ۲۲/۰۷ | ۱/۸۷ | ۰/۲۲ | ۰/۶۴ |
| | | مرد | ۲۱/۷۹ | ۲/۶۲ | | |
| | لر | زن | ۲۱/۴۴ | ۲/۰۶ | ۰/۰۸ | ۰/۷۸ |
| | | مرد | ۲۱/۲۸ | ۲/۳۸ | | |
| | بلوچ | زن | ۲۱/۳۳ | ۱/۶۹ | ۱۲/۰۷ | ۰/۰۰۱ |
| | | مرد | ۱۹/۵۸ | ۲/۲ | | |
| | عرب | زن | ۲۲/۳۵ | ۱/۶۴ | ۱۰/۳۹ | ۰/۰۰۲ |
| | | مرد | ۲۰/۹۴ | ۱/۷۴ | | |
| استاندارد سرمایه‌گذاری ابزاری در مردان و زنان هر قومیت | فارس | زن | ۲۱/۴ | ۱/۷۷ | ۴/۶۲ | ۰/۰۳ |
| | | مرد | ۲۰/۳۳ | ۲/۰۷ | | |
| | ترک | زن | ۲۳/۵۳ | ۲/۷۹ | ۰/۳۲ | ۰/۵۷ |
| | | مرد | ۲۳/۱۳ | ۲/۶۹ | | |
| | کرد | زن | ۲۱/۵۱ | ۱/۹۵ | ۰/۰۰۰۱ | ۰/۹۹ |
| | | مرد | ۲۱/۵ | ۲/۵۱ | | |
| | لر | زن | ۲۱/۱۴ | ۲/۴ | ۰/۰۰۷ | ۰/۹۴ |
| | | مرد | ۲۱/۰۹ | ۲/۳۸ | | |

| | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|
| | بلوچ | زن | ۲۰/۹۵ | ۲/۲۳ | ۵/۱۲ | ۰/۰۲۷ |
| | | مرد | ۱۹/۶۶ | ۲/۱۹ | | |
| | عرب | زن | ۲۱/۷ | ۲/۱۸ | ۱/۰۷ | ۰/۳۱ |
| | | مرد | ۲۱/۲ | ۱/۴۹ | | |
| استاندارد سرمایه‌گذاری ابرازی در مردان و زنان هر قومیت | فارس | زن | ۲۲/۳۲ | ۱/۸۸ | ۵/۱۲ | ۰/۰۲۷ |
| | | مرد | ۲۱/۱۷ | ۲/۰۸ | | |
| | ترک | زن | ۲۳/۷۶ | ۲/۳۹ | ۰/۰۰۸ | ۰/۹۳ |
| | | مرد | ۲۳/۷ | ۲/۵۵ | | |
| | کرد | زن | ۲۲/۶ | ۱/۷۴ | ۰/۲ | ۰/۶۶ |
| | | مرد | ۲۲/۳۷ | ۲/۲۶ | | |
| | لر | زن | ۲۱/۶۴ | ۲/۳ | ۰/۰۲ | ۰/۸۹ |
| | | مرد | ۲۱/۵۶ | ۲/۵۴ | | |
| | بلوچ | زن | ۲۲/۸۲ | ۱/۸۶ | ۱۰/۵۹ | ۰/۰۰۲ |
| | | مرد | ۱۹/۹۷ | ۲/۵ | | |
| | عرب | زن | ۲۲/۶ | ۱/۶۴ | ۱۳/۲۹ | ۰/۰۰۱ |
| | | مرد | ۲۱/۱ | ۱/۵۳ | | |

## بحث

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که مردان و زنان ترک نسبت به سایر قومیتها، بایدهای بیشتری در مورد میزان مطلوب نزدیکی (استاندارد حوزه مرزها)، اعمال قدرت به‌صورت مساوی (استاندارد حوزه کنترل/قدرت)، مسئولیت‌پذیری (استاندارد حوزه سرمایه‌گذاری ابزاری) و نحوه و میزان ابراز هیجانها (استاندارد حوزه سرمایه‌گذاری ابرازی) در زندگی مشترک دارند. ذکر این نکته ضروری است که بالا بودن نمرات استانداردهای مربوط به رابطه، عمل کردن بر طبق این استانداردها را تضمین نخواهد کرد بلکه تنها نشان‌دهنده ایده‌آلهای افراد در این حوزه‌ها می‌باشد. این نتایج تا حدی با پژوهشی که توسط عباسی‌شوازی و صادقی (۱۳۸۴) انجام شد قابل تبیین است که نشان می‌دهد میان گروه‌های قومی کرد، عرب، لر و به‌ویژه بلوچ عمدتاً ارزشهای سنتی حاکم است که نقش انتخاب فردی را در ازدواج محدود می‌کند اما در مورد قومیت ترک به نقش پر رنگ‌تر

انتخاب شخصی در ازدواج اشاره شده است. انتخاب کردن شخصی برای ازدواج که از لحاظ جنبه‌های مختلف مورد تأیید فرد باشد و خود فرد آزادانه او را برای زندگی مشترک انتخاب کند می‌تواند زمینه‌ساز صمیمیت بیشتر و مرزهای ضعیف‌تر، توازن قدرت در تصمیم‌گیریها، انجام وظایف و مسئولیتهای مربوط به خود، ابراز عواطف در زمینه‌های مختلف زندگی آنها شود. از طرفی دیگر، افراد متعلق به قومیت ترک، علاقه‌ای به پر کردن پرسشنامه‌های این پژوهش نداشتند و در اکثر مواقع بیان می‌کردند که تمایلی به فاش کردن مسائل خصوصی مربوط به زندگی مشترک خود، نزد دیگران ندارند. به عبارتی مرزهای بسیار محکمی میان زوجهای ترک با دنیای بیرون وجود دارد. زمانی که زوج در رابطه با دنیای بیرون محتاط‌تر باشند و به آسانی در مورد مسائل گوناگون زندگی مشترک با کسانی که خارج از رابطه زناشویی‌شان هستند صحبتی نکنند، روابط صمیمی و نزدیک این‌گونه افراد با همسرانشان بیشتر خواهد بود. زیرا تنها شریک زندگی‌شان را محرم راز دانسته و در تمام فعالیتها می‌خواهند او را در کنارشان داشته باشند. این یافته‌ها با نتایج پژوهشی که توسط اپستین، چن و کمجو در سال ۲۰۰۵ انجام شد و به مقایسه استانداردهای زوجهای چینی و آمریکایی پرداخت، هم‌سو می‌باشد. زوجهای آمریکایی مرزهای بسیار محکمی با دنیای بیرون ساخته بودند و علاقه‌ای به اینکه اطلاعات مربوط روابطشان را با دیگران در میان بگذارند نداشتند. آمریکاییها به‌طور معناداری نسبت به زوجهای چینی در استانداردهای مربوط به مرزها نمرات بالاتری را دریافت کردند.

پس از کنترل اثر تحصیلات که نقش آن در نمرات حوزه کنترل و قدرت اثبات شده بود نتایج نشان داد که نمرات مردان قومیت ترک نسبت به مردان سایر قومیتها به شکل معناداری در زمینه استانداردهای مربوط به کنترل و قدرت بالاتر می‌باشد. مردان قوم بلوچ علاوه بر تفاوت با مردان ترک با مردان فارس، کرد، لر نیز در این زمینه متفاوت هستند و این تفاوت به شکل پایین‌تر بودن معنادار استانداردهای مربوط به کنترل و قدرت در مردان

بلوچ خود را نشان می‌دهد. در میان زنان قومیتهای مختلف نیز بالاتر بودن معنادار نمرات زنان ترک نسبت به پنج قومیت دیگر مشاهده شد. زنان عرب نیز در این حوزه نسبت به زنان بلوچ نمرات بالاتری را دریافت کردند. نمرات بالا در زمینه استانداردهای مربوط به حوزه کنترل و قدرت به معنی دیدگاه تساوی‌نگر فرد در زمینه اعمال قدرت در میان زن و مرد می‌باشد. نمرات پایین در این زمینه را می‌توان با اعتقاد فرد به دیدگاه سنتی در اعمال قدرت در خانواده هم‌سو دانست. در پژوهشی نشان داده شد که ساختار قدرت در درون خانواده‌های ترک بیشتر به‌صورت مشارکتی میان زن و مرد می‌باشد و برعکس در خانواده‌های کرد، لر، عرب و به‌خصوص بلوچ ساختار قدرت بیشتر به‌صورت غیرمشارکتی می‌باشد (عباسی‌شوازی، صادقی، ۱۳۸۴). در نتیجه مردان و زنان ترک به علت اعتقاد به ساختار مشارکتی قدرت در این استاندارد نمرات بالاتر و مردان بلوچ به دلیل اعتقاد به ساختار غیرمشارکتی و سنتی به قدرت نمرات پایین‌تری به‌دست آوردند. بعد از زنان قومیت ترک این زنان قومیت عرب هستند که به مدل مشارکتی قدرت اعتقاد دارند (عباسی‌شوازی و صادقی، ۱۳۸۴). در پژوهش ما نتایج حاکی از بالا بودن استانداردهای مربوط به کنترل و قدرت در زنان عرب نسبت به زنان بلوچ بود. به دلیل اعتقاد به هنجارهای سنتی و همچنین وجود ساختار قدرت غیرمشارکتی در خانواده بلوچ (عباسی‌شوازی، ۱۳۸۴) نسبت به سایر قومیتها پایین بودن نمرات استانداردهای مربوط به کنترل و قدرت در زنان بلوچ قابل تبیین است. در مورد تفاوت مشاهده شده میان مردان و زنان قومیت ترک و فارس سایر موارد مثل اهمیت رابطه و یا تغییر نقش تصمیم‌گیرنده میان زنان و مردان است (ریس، ۲۰۰۴) که تأثیرگذار بوده است. احتمال دارد تا حدی اهمیت رابطه زناشویی در میان زنان و مردان فارس، حداقل در نمونه ما کم‌تر از قومیت ترک باشد که این امر باعث می‌شود فارسها کم‌تر به تساوی قدرت معتقد شوند یا بر اساس اهمیت موضوع مورد نظر برای هر یک از زوجین، اعمال قدرت در موارد مختلف میان زوج تغییر

می‌کند یعنی الگوی ثابتی در اعمال قدرت زوج وجود ندارد. تفاوت قومیت فارس و ترک را می‌توان با تفاوتی که در سبک فرزندپروری این قومیتها وجود دارد نیز مرتبط دانست. به دلیل سبک فرزندپروری ترکها که معمولاً مقتدرانه است (یزدان‌دوست، عابدین و فتح‌آبادی، ۱۳۸۹) زنان و مردان ترک بیش از زنان و مردان فارس در کودکی محبت و همزمان کنترل از والدینشان دریافت کنند که این شرایط امن سبب می‌شود زنان ترک در بزرگسالی جرأت‌ورزی بیشتری داشته و احتمالاً میل بیشتری برای اعمال قدرت و شریک شدن در تصمیم‌گیریها در آینده داشته باشند.

بعد از کنترل اثر تحصیلات مشخص شد که مردان قومیت ترک نسبت به مردان سایر قومیتها نمرات بالاتری را در استانداردهای مربوط به سرمایه‌گذاری ابزاری کسب کردند. نمرات مردان بلوچ از نمرات مردان قومیتهای ترک، کرد، لر و عرب نیز به‌طور معناداری پایین‌تر است. این تفاوت در میان زنان ترک با زنان سایر قومیتها به شکل بالاتر بودن نمرات در زنان ترک به چشم می‌خورد. در زندگی زناشویی، هر فرد اعتقادات خاصی نسبت به سرمایه‌گذاری بر روی وظایفی که باید انجام شود، تصمیماتی که باید گرفته شود و نقشهایی که هریک از زوجین باید ایفا کنند، دارد. واژه سرمایه‌گذاری ابزاری به رفتارهای غیرارتباطی مثل میزان تلاش هر یک از زوجین برای انجام مسئولیتها و وظایف زندگی اشاره دارد. از جمله عواملی که در این حوزه تأثیرگذار است: سطح اجتماعی- اقتصادی و درآمد، تحصیلات، نگرش مساوات‌طلب و نگرشهای جنسیتی می‌باشد (کالتران[1]، ۲۰۰۰). هرچه سطح اجتماعی- اقتصادی و تحصیلات زن و مرد بالاتر باشد و درآمد زن و مرد به هم نزدیک‌تر باشد، فرد احتمالاً بیشتر بر روی وظایف خود سرمایه‌گذاری کرده و آنها را انجام خواهد داد. و تمایل بیشتری برای تلاش و انجام مسئولیتهای خود و مشارکت در کارها در

1. Caltrane

خانواده خواهد داشت. همانطور که اشاره شد در این پژوهش تحصیلات در تفاوتهای مشاهده شده میان قومیتهای گوناگون ایران نقشی ندارد. عامل مؤثر دیگر در این زمینه، سطح اجتماعی- اقتصادی افراد است. هرچه پایگاه اجتماعی- اقتصادی افراد بالاتر باشد اعتقاد به هنجارهای سنتی کم‌تر و احتمالاً نگرش مساوات طلبانه بیشتری خواهند داشت. این افراد کارها و وظایف خانه را به شکل برابری در میان خود تقسیم می‌کنند و در انجام وظایف و مسئولیتهای خود بیشتر تلاش می‌کنند (مانیو و داتچ[1]، ۲۰۰۷). بر طبق آنچه که گفته شد تفاوت معناداری که بین مردان ترک با سایر قومیتها به جز قومیت فارس وجود دارد قابل تبیین است. زیرا که قومیت ترک از لحاظ پایگاه اجتماعی خانوار نسبت به قومیتهای کرد، لر، بلوچ و عرب بالاتر می‌باشد و قومیت بلوچ پایین‌تر از بقیه قرار دارند (عباسی‌شوازی و صادقی، ۱۳۸۴). مردان قومیتهای دیگر به جز مردان ترک به دلیل ایدئولوژی جنسیتی و ارزشهای خرده فرهنگی سنتی‌تر شاید کم‌تر علاقه‌مند باشند که در فعالیتها و کارهای خانه سرمایه‌گذاری و مشارکت کنند زنان سایر قومیتها هم به دلیل این هنجارهای سنتی، کم‌تر از زنان ترک از همسرانشان درخواست همکاری و سرمایه‌گذاری در مسئولیتها دارند. در مورد قومیت بلوچ نیز شاید هنجارهای قومیتی سنتی و سطح پایین‌تر پایگاه اجتماعی- اقتصادی (عباسی‌شوازی، ۱۳۸۴)، باعث شکل‌گیری استانداردی شده است که تمایل به مشارکت در مسئولیتها و وظایف زندگی را کم‌رنگ‌تر می‌کند و بایدهای کمتری را در مورد رفتارهای غیرارتباطی در آنها شکل می‌دهد. تفاوت مشاهده شده میان قومیت فارس و ترک در این زمینه را می‌توان با نظریه‌های سازه جنسیتی تبیین کرد. بر اساس این نظریه، زنان و مردان هر یک مسئولیتهای متفاوتی را در خانه انجام می‌دهند تا بدین وسیله خودِ جنسیتی‌شان را نشان دهند و آنرا دوباره تأیید کنند (کالتران، ۲۰۰۰؛ کلووير[2] و همکاران، ۲۰۰۰). زنان مدرن با

1. Manio and Detsech
2. Kluwer

پایگاه اجتماعی بالا که به اندازه همسرانشان کار می‌کنند و درآمد دارند و حتی معتقد به ایدئولوژی مدرن برابری‌خواهانه هستند، بیشتر از شوهران خود در کارهای خانه مشارکت دارند و از شوهرانشان کم‌تر درخواست همکاری و مشارکت خواهند داشت (مانیو و داتچ، ۲۰۰۷؛ لوی و کاتز[1]، ۲۰۰۲). نظریه سازه‌های جنسیت این رابطه منفی را تلاش زوجین برای کاستن از تهدید مردانگی شوهر و دوباره تصدیق کردن زنانگی زن در مواجهه با رفتارهایی مثل پول درآوردن زنان توضیح می‌دهد (دیکسون[2]، ۲۰۰۴). استانداردهای مربوط به سرمایه‌گذاری ابرازی در قومیت ترک به‌گونه‌ای معنادار، بالاتر از سایر قومیتها می‌باشد. مردان کرد نیز نسبت به مردان فارس، بلوچ و عرب به‌طور معناداری استانداردهای بالاتری را در این حوزه دارا هستند. مردان قومیت بلوچ علاوه بر اینکه نسبت به مردان ترک و کرد، نمرات پایین‌تری را کسب کردند، نسبت به مردان فارس و لر نیز استانداردهای ابرازی پایین‌تری دارند. شکل رفتارهای ابرازی در میان افراد متعلق به فرهنگهای متفاوت، مختلف است و نمی‌توان شکل خاصی از آنرا مشخص کرد (کترون[3] و همکاران، ۱۹۹۰). از مهم‌ترین عوامل برای طبقه‌بندی تفاوتهای فرهنگی در ابراز هیجانات شناخت قوانین ابرازی است. این قوانین در دوران کودکی آموخته می‌شود و توسط سبک فرزندپروری والدین تحت تأثیر قرار می‌گیرد، والدین به فرزندانشان می‌آموزند با توجه به موقعیت، هیجانات خود را به شکل خاصی مدیریت و تعدیل کنند (اکمن[4]، ۱۹۷۲). در پژوهشی نشان داده شد که ترک بودن پیش‌بینی‌کننده سبک فرزندپروری مقتدرانه می‌باشد (یزدان‌دوست، عابدین و فتح‌آبادی، ۱۳۸۹). یکی از ویژگیهای این سبک فرزندپروری این است که والدین به فرزاندان به اندازه کافی ابراز محبت می‌کنند و به نیازهای هیجانی کودک به موقع پاسخ داده می‌شود. از کودکی ابراز متعادل هیجانات فرزندان تشویق و تقویت می‌شود. افراد با این سبک فرزندپروری ابراز

1. Lavee and Kats
2. Dixon
3. Cutrona
4. Ekman

صحیح هیجانات را خواهند آموخت و در بزرگسالی نیز می‌توانند هیجانات خود را به راحتی ابراز نمایند (بامریند[1]، ۱۹۹۱). با توجه به آنچه که ذکر شد شاید یکی از دلایلی که افراد قومیت ترک تمایل بیشتری به ابراز محبت به همسرانشان نسبت به سایر قومیتها دارند، سبک فرزندپروری مقتدرانه والدین آنها می‌باشد. ساختار زندگی در افراد متعلق به قومیت بلوچ به‌صورت قبیله‌ای و طایفه‌ای است (احمدی، ۱۳۸۲). این ساختار در میان قومیت عرب نیز به میزان کمتر هنوز به چشم می‌خورد. در این نوع جوامع جمع‌گرایانه افراد به‌گونه‌ای تربیت می‌شوند که تمایل بیشتری به کنترل هیجانهای مثبت و منفی خود دارند و بازداری هیجانی بالایی در آنها به چشم می‌خورد (ریس، ۲۰۰۴). بر اساس آنچه که گفته شد پایین بودن نمرات سرمایه‌گذاری ابرازی در مردان بلوچ و عرب را می‌توان تا اندازه‌ای تبیین کرد. در مورد قومیت فارس که در این حوزه نمرات پایین‌تری از مردان ترک و کرد به‌دست آورده‌اند باید به پژوهشی اشاره کرد که نشان داد فارس بودن، سبک زندگی محتاط بودن را به‌طور معنی‌دار پیش‌بینی می‌کند (یزدان‌دوست، عابدین و فتح‌آبادی، ۱۳۸۹). این سبک زندگی نشان می‌دهد فرد تا چه اندازه در اجتماع و در موقعیتهای بین فردی احساس امنیت می‌کند (بامریند، ۱۹۹۱). ممکن است زنان و مردان فارس به دلیل محتاط بودن در سبک زندگی در هنگام بزرگسالی به آسانی در رابطه با همسرانشان احساس امنیت نکرده و علاقه‌ای نداشته باشند که هیجانات منفی یا حتی مثبت خود را نسبت به همسرانشان به راحتی زنان و مردان ترک و ابراز کنند.

در برخی از استانداردها در میان زنان و مردان هر قومیت تفاوت معنادار وجود داشت. استانداردهای زنان قومیت عرب در حوزه‌های (مرزها، کنترل و قدرت، سرمایه‌گذاری ابرازی) به‌طور معناداری بالاتر از مردان این قومیت بود. استانداردهای زنان قومیت بلوچ نیز

1. Baumrind

در حوزه‌های‌های (کنترل و قدرت، سرمایه‌گذاری ابزاری و ابرازی) به‌طـور معنـادار بـالاتر از مردان این قومیت بود. یکی از تئوریهایی که در مورد ساختار قدرت در خانواده مطـرح اسـت تئوری تفکیک نقشهاست. این تئوری بیشتر در جوامعی که ارزشها و هنجارهای سـنتی حـاکم است به چشم می‌خورد که برای زن نقش رهبر عاطفی و برای مرد نقش رهبـر اجرایـی قائـل می‌شود. در نتیجه شغل و درآمد را از وظایف مرد می‌داند و بر این اسـاس نظـام جامعـه او را رهبر اصلی خانواده می‌داند (پارسونز[1]، ۱۹۵۵). هنجارهای سنتی در میان مردان بلوچ و عـرب بیش از سایر قومیتها وجود دارد (عباسی‌شوازی و صـادقی، ۱۳۸۴) احتمـالاً بـه همـین علـت مردان عرب بایدهای کم‌تری در زمینه صمیمیت با همسرانشان دارند. مردان بلوچ و عرب بـه دلیل هنجارهای سنتی رایج در این جوامع تمایل دارند طبق تئوری تفکیک نقشها، رهبر اصلی خانواده باشند. این نقشها و هنجارهای سنتی ممکن است باعث شـود مـردان بلـوچ و عـرب تمایل بیشتری به اعمال کنترل و اعمال نظر در تصمیم‌گیریهای خانواده داشته باشند. از طرفـی زنان بلوچ و عرب امروزی به علت سالها زندگی در جوامع مردسالارانه و سنتی، علاقه دارنـد که این هنجارهای سنتی را در هم بشکنند. اسـتانداردهای زنـان قومیـت فـارس نیـز بـه‌طـور معناداری در حوزه سرمایه‌گذاری ابزاری و ابرازی بالاتر از مردان ایـن قومیـت بـود. احتمـالاً برای یک زن فارس ابراز عواطف و یا پرداخت قبوض ماهانه و یـا کمـک همسـر در مرتـب کردن خانه در یک روز تعطیل علاوه بر معنای ظاهری که دارد نشان‌دهنده میزان ارزشی است که همسرش برای او و رابطه‌شان قائل است و زنان فارس بیش از مردان این قومیـت بـا ایـن بایدها و معانی خاصی که خود به آن می‌دهند اشتغال خاطر داشته و به آن اهمیـت مـی‌دهنـد. بالاتر بودن نمرات زنان در موارد ذکر شده را می‌توان با تحول جامعه ایرانی به سـمت مـدرن شدن و پررنگ بودن نقش زنان در این تحول تبیین کرد (آزاد ارمکی، ۱۳۸۱). تفاوت مشاهده

1. Parsons

شده میان زنان و مردان با یافته‌های ونجلیستی (۱۹۹۷) هم‌سو است که بیان می‌کند شناختهای زنان و مردان با هم متفاوت است. زنان بایدها و تعهدات بیشتری برای سرمایه‌گذاری در رابطه دارند (کنری[1] و همکاران، ۱۹۹۶). این یافته‌ها شاید بتواند مقدمه‌ای برای پژوهشهای جامع‌تر در آینده باشد که از طریق آنها بتوان افق دید افراد در شرف ازدواج را تاحدی گسترده‌تر کرد و یا هرچند ناچیز یاری‌گر زوجهایی بود که در زندگی مشترک دچار مشکل و ناسازگاری شده‌اند. چراکه افراد با دانستن اینکه شناختهایی متفاوت در میان افراد متعلق به قومیتهای گوناگون وجود دارد که می‌تواند رضایت زناشویی آنها را در زندگی مشترک تحت تأثیر قرار دهد، با دید بازتری به انتخاب همسر خواهند پرداخت. در ازدواجهای بین‌قومیتی که امکان بروز تفاوتهای شناختی بین زن و مرد بیشتر است احتمالاً افراد محتاطانه‌تر و با دقت بیشتری تصمیم به این‌گونه ازدواجها خواهند گرفت و حداقل با آشنایی و پذیرش شناختهای (استانداردهای رایج در یک قومیت) همسر آینده خود، تا حدی از تعارضات احتمالی آینده که ناشی از عدم آگاهی زوجین از عوامل مؤثر در رضایت زناشویی است، کاسته خواهد شد. در مورد زوجهای درگیر تعارض نیز درمانگر باید در پیشنهادها و راهکارهایی که به زوج می‌دهد بسیار محتاط باشد و همواره به یاد داشته باشد که نمی‌تواند و نباید استانداردهای خود را برای زندگی افراد دیگر در اقشار و فرهنگهای متفاوت، که تجارب متفاوت خرده فرهنگی داشته و رابطه را به شکل دیگری ادراک می‌کنند، مبنا قرا داده و تجویز کند چراکه تجویز نسخه یکسان برای افراد مختلف با سابقه فرهنگی و خانوادگی گوناگون جایز نبوده و می‌توان گفت غیرممکن و خطرآفرین نیز هست.

1. Canary

## منابع و مآخذ

## References


- آزاد ارمکی، ت. و غفاری، غ. ر. (۱۳۸۱). تبیین نگرش نسلی به زن در جامعه ایران. ***فصلنامه پژوهش زنان، ۳***، ۲۴-۲۷.

- احمدی، ح. (۱۳۸۲). ***قومیت و قوم‌گرایی در ایران***. تهران: نشر نی.

- برازنده، ه.، صاحبی، ع.، امین‌یزدی، الف. و مهرام، ب. (۱۳۸۵). رابطه معیارهای ارتباطی با سازگاری زناشویی. ***فصلنامه روان‌شناسان ایرانی، ۸***، ۳۳۰-۳۱۹.

- عباسی‌شوازی، م. ج. و صادقی، ر. (۱۳۸۴). قومیت و الگوهای ازدواج در ایران. ***فصلنامه پژوهش زنان***، ۱، ۴۷-۲۵.

- فتاحی، ک. (۱۳۸۸). ***اسنادهای ناسازگار و معیارهای ارتباطی به‌عنوان پیش‌بینی‌کننده سازگاری زناشویی***. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

- کی‌نیا، م. (۱۳۷۳). ***پژوهشی در عوامل اجتماعی طلاق***. قم: مطبوعات دینی.

- ملک‌عسگر، س. (۱۳۹۰). ***مقایسه استانداردهای مربوط به زندگی مشترک در افراد ساکن تهران در طول سه نسل اخیر***. پایان‌نامه کارشناسی ارشد خانواده درمانی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

- یزدان‌دوست، ر.، عابدین، ع. ر. و فتح‌آبادی، ج. (۱۳۸۹). ***بررسی اثر قومیت و تطابق‌پذیری بر سبک فرزندپروری و سبک زندگی در میان سه قومیت ایرانی ترک، کرد و فارس***. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی کودک و نوجوان، دانشگاه شهیدبهشتی، تهران.

- Baucom, D. H. , Epstein, N. , Sayers, S. L. & Sher, T. G. (1989). The role of cognitions in marital relationships: Definitional, methodological, and conceptual issues. ***Journal of Consulting and Clinical Psychology***, 57, 31-38.

- Baucom, D. H. & Epstein, N. (1990). ***Cognitive-behavioral marital therapy***. New York: Brunner/Mazel.

- Baumrind D. (1991). Effective parenting during the early adoiescent transition. In: Cowan, P. A. & Hetherington, E. M. (Eds.). ***Family tranaitions.*** *2*, 111-163

- Bradbury, T. N. , Fincham, F. D. & Beach, S. R. H. (2000). Research on the nature and determinants of marital satisfaction: A decade in review. ***Journal of Marriage and the Family***, 62, 964-980.

- Brunell, A. B. , Kernis, M. H. , Goldman, B. M. , Heppner, W. , Davis, P. , Cascio, E. V. & Webster, G. D. (2010). Dispositional authenticity and romantic relationship functioning***. Personality and Individual Differences***, 48, 900-905. doi:10. 1016/j. paid. 2010. 02. 018.
- Caltrane, S. (2000). Modeling and Measuring the Social Embeddedness of Routine Family work. ***Journal of Marriage and the Family***, 62, 1208-1233.
- Canary, J. D. , Emmers, T. M. , & Faulkner, S (1997). ***Sex and Gender Differences in Personal Relationship***. New York: Guilford Press.
- Chen, Z. , Tanaka, N. , Uji, M. , Hiramura, H. & Shikai, N. (2007). The role of personalities in marital adjustment of Japanese couple. ***Journal of Social Behavioral and personality***, *35 (4)*, 561-572.
- Clark, L. E. (2010). Marital satisfaction, pain and psychological charascteristics of married women without Vulvodiniya. ***Unpublished doctoral dissertation, School of Humanities, North Central University, Mason, Arizona***.
- Cutrona, C. E. , Suhr, J. A. & MacFarlane, R. (1990). Interpersonal transactions and the psychological sense of support. In S. Duck & R. Silver (Eds.), ***Personal relationships and social support*** (pp. 30-45). London: Sage.
- Dixon, I. (2004). Gender, the Division of Household Labor, and social psychology of Justice. ***Theory and Psychology***, *14*, 167-189.
- Ekman, P. (1972). ***Universal and cultural differences in facial expression of emotion***. In: Cole, J. R. (Ed.). Nebraska Symposium on Motivation. 19, 207-283. Lincoln, NE: ***Nebraska University Press***.
- Epstein, N. B. , Baucom, D. H. , Burnett, C. K. & Rankin, L A. (1990). ***The Inventory of General Relationship Standards***. Unpublished scale, University of Maryland, College Park.
- Epstein. N, B. & Baucom, D. H. (2002). ***Enhanced cognitive behavior therapy for couple****s*: A contextual approach. Washington DC: American Psychological Association Press.
- Epstein, N. & Baucom, D. H. (2003). Overcoming roadblocks in cognitivebehavioral therapy with couples. In: Leahy, R. L. (Ed.), ***Overcoming roadblocks in cognitive therapy*** (pp. 187-205). New York: Guilford Press.
- Epstein, N. B. , Chen, F. & Beyder-Kamjou, I. (2005). Relationship standards and marital satisfaction in Chinese and American couples. ***Journal of Marital and Family therapy***, 31 (1), 59-74.
- Fletcher, G. J, 0. & Simpson, L. A. (2000). Ideal standard in close relationship: Their structure and function. ***Current Directions in Psychological Science,*** *9*, 102-105

- Kluwer, E. S. , Hesink, J. A. M. & Vliert, E. (2000). Marital Conflict and the Division of Household Labor and paid work. ***Journal of Marriage and family,*** 58, 635-653.
- Lavee, Y. & Kats, R. (2002). Division of labor, received fairness and marital quality: the effect of gender of ideology***. Journal of Marriage and Family***, *63*, 2739.
- Leung, K. & Bond, M. H. (2004). Social axioms: A model of social beliefs in multicultural perspective. In: Zanna, M. P. (Ed.). ***Advances in experimental social psychology***. (pp. 119-197). Orlando, FL: Academic Press.
- Mannio, C, A. & Detsch, F. M. (2007). Changing the Division of Household Labor: A negotiated Process Between Partners' sex Roles. ***Journal of Marriage and family***, *56*, 309-324.
- Parsons, T. , Bales, R. F. (1955). ***Family socialization and interacting process***. Glenco Free press.
- Reiss, M. (2004). An Examination of Established Antecedents of Power in Purchase Decision Making: Married and Nontraditional Couples. ***Journal of applied social Psychology***, 34. 1825-1845.
- Stander, V. , Hsiung, P. C. & MacDermid, S. (2001). The Relationship of Attributions to Marital Distress: A Comparison Mainland Chinese and U. S, Couples. ***Journal of Family Psychology***, 1, 124-134.
- Taniguchi, S. T. , Freeman, P. A. , Taylor, S. & Malcarne, B. (2006). A study of married couples' perceptions of marital satisfaction in outdoor recreation. ***Journal of Experiential Education***, 28 (3), 253-256.
- Wirkler. I. (1998). *child and family asssment*. (Eds). Routledge: Publishing co.
- Yogman, M. W. & Brazerton, T. B. (1986). ***In support of families***. USA: President & Fellows of Harvard College.